

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۹/۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۱/۲۶

نقش "بازآفرینی" مناظر فرهنگی بر ارتقای کیفیت "زندگی شهروندی" (نمونه موردی: مجموعه زندیه شیراز)*

محمدرضا پورجعفر^۱، فهیمه دهقانی^۲

چکیده

مفهوم امروزی منظر فرهنگی نتیجه روند توسعه جامعه معاصر و ارزش‌های حاکم بر آن است. پس از جنگ جهانی و ویرانی‌های حاصل از آن و توسعه عظیم صنعتی، از دهه ۱۹۵۰ مردم دریافتند که زندگی‌شان ارتباط نزدیکی با محیطی دارد که در آن زندگی و کار می‌کنند و این امر، تشخیص هویت فرهنگی و مرجعی روحی و روانی برای روشی متعادل در زندگی شد. از آنجایی‌که بازآفرینی مناظر فرهنگی تأثیری قابل توجه بر مطلوبیت مؤلفه‌های کیفیت، در محیط زندگی شهروندی دارد بدین منظور در طی این پژوهش مفاهیم کیفیت، زندگی شهروندی و تأثیر شاخص‌های کیفیت عینی بر زندگی شهروندی بررسی خواهند شد. همچنین با توجه به اینکه مجموعه‌های شهری، یکی از جلوه‌های اصلی شکل‌گیری شهرهای بزرگ در طول تاریخ بوده و امروزه کم‌توجهی مدیران شهری به این گونه فضاها، این مراکز را با مشکلات متعددی روبرو کرده و باعث کاهش کیفیت محیط زندگی شهروندی در آن‌ها شده است؛ مجموعه زندیه شیراز که درواقع نوع خاصی از مناظر فرهنگی در محیطی درون شهری است مطالعه می‌شود و رهنمودهایی مبتنی بر بازآفرینی، به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندی در این مجموعه شهری ارائه خواهد شد. روش تحقیق این نوشتار بر مبنای روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد مورد پژوهی تاریخی بنا نهاده شده است. منابع تحقیق، منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی است.

کلیدواژه‌ها: بازآفرینی، کیفیت محیط، زندگی شهروندی، مؤلفه‌های کیفی زندگی شهروندی، مجموعه زندیه.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معماری گرایش معماری منظر فهیمه دهقانی با عنوان "بازآفرینی باغ نظر شیراز با رویکرد حفاظت از منظر فرهنگی ارگ کریم خان" در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس و با راهنمایی دکتر محمدرضا پورجعفر و مشاوره دکتر محمدجواد مهدوی نژاد است.

۱. استاد گروه آموزشی شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران. (نویسنده مسئول)

Email: Pourja_m@modares.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری گرایش منظر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران.

Email: Dehghani.fahime3@gmail.com

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر گرایش زیادی نسبت به تعیین، اندازه‌گیری و مقایسه کیفیت مکان‌ها، بخصوص مکان‌های ساخته‌شده شهری به وجود آمده است. مکان و کیفیت‌های مربوط به آن موضوع تحقیقات در زمینه‌های زیادی شامل معماری، فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا و انسان‌شناسی بوده است. این بحث از نیمه دوم قرن بیستم به بعد و با رکود کیفیت فضاهای شهری آغاز شد. از دهه ۱۹۶۰ برنامه ریزی شهری مدرن عامل تخریب کیفیت فضا و ایجاد فضاهای شهری غیرجذاب و ناکارآمد شده است (Alexander, 1965, 60). اگرچه تمرکز اصلی طراحی و برنامه‌ریزی شهری بر خصوصیات فیزیکی مکان است، این تمرکز قطعی با این سؤال آزمایش شده است که آیا فن‌آوری‌های طراحی شهری سنتی برای حل پیچیدگی طبیعی مکان کافی است یا خیر؟ (Arefi & Triantafillou, 2005, 80). بنابراین در بستر رقابت جهانی روبه افزایش، شهرها برای جذب سرمایه‌گذاران، مشاغل، کارگران ماهر و جهانگردان جدید نیاز به نشان دادن کیفیت‌های متمایزی برای تشخیص آن‌ها از رقبایشان دارند (Wesner, 2011, 425). کیفیت مکان به‌عنوان مشخصات فیزیکی جامعه‌ای تعریف می‌شود. به‌گونه‌ای که برنامه‌ریزی، طراحی، توسعه و نگهداری شده است - که کیفیت زندگی شهروندان و بازدیدکنندگان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بر همین اساس، امروزه مسئولان و برنامه‌ریزان شهری توجه بسیاری به مراکز شهری و راهکارهای مبتنی بر لزوم ارتقای کیفیت زندگی دارند، زیرا مطلوبیت کیفی فضاهایی که زمینه ظهور و بروز فعالیت‌های جمعی و عمومی و برپایی آئین‌ها، عامل هویتی شهرها و تجلی‌گاه باورها و تفکر آن‌ها و شیوه زیست مردم بوده‌اند در احساس، ادراک، و بازنمایی پدیده‌ها در عرصه ذهنی انسان تأثیری غیرقابل انکار دارد. در این باره، برنامه‌ها و طرح‌های مختلفی برای بازآفرینی مناظر فرهنگی در ابعاد و موضوعات مختلف اجتماعی، گردشگری، زیست‌محیطی و اقتصادی ارائه شده است. در این پژوهش با نگاهی به تجارب جهانی بازآفرینی مراکز شهری و ارتقای کیفیت مؤلفه‌های زندگی شهروندی، مجموعه زندیه به‌عنوان یکی از مناظر فرهنگی شاخص شهر شیراز انتخاب شده است. تأثیر این مجموعه برشیراز به‌گونه‌ای بوده است که در طول تاریخ بخشی از هویت این شهر را تعریف کرده، زیرا در گذشته کلیه مراسم‌های ملی و مذهبی و حکومتی در این مجموعه برگزار می‌شده است. مجموعه بناهای کریم‌خانی علی‌رغم وسعت و اهمیت، به دلیل حضور کاربری‌های متفاوت و جدید، عبور خیابان زند، حضور منفرد عناصر و بناهای مجموعه در ستون فقرات شهر و برخی مسائل فرهنگی - اجتماعی؛ کیفیت زندگی و حضور پایدار شهروندان را تحت‌تأثیر قرار داده است؛ بنابراین وجود طرح کیفی هماهنگ‌کننده، در این منظر فرهنگی، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. برای ارتقای معیارهای کیفیت زندگی در این مجموعه دو پرسش اساسی مطرح است:

- ۱- بازآفرینی مناظر فرهنگی چه تأثیری بر زندگی شهروندی دارد؟؛ ۲- برای دستیابی به کیفیت مطلوب زندگی شهری چه عواملی را باید مد نظر داشت؟ بدیهی است ارتقای کیفیت زندگی در مناظر فرهنگی درون شهری نیازمند دستیابی به معیارها و شرایطی است که رضایت شهروندان را از طریق تأمین نیازهای مادی و روانی آنان پاسخ گوید.

۲- بازآفرینی

بازآفرینی یا معاصرسازی در طی روند مربوط به از نو فعال شدن صورت می‌پذیرد. در این اقدام، محیط فیزیکی و ساختار اجتماعی - اقتصادی فضاهای شهری، از طریق توانمندسازی محیطی

احیا می‌شوند. بازآفرینی خلق فضاها را جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی قدیم (کالبدی و فعالیتی) است و هدف، حفظ ویژگی‌های ارزشی بافت قدیمی، خلق ویژگی‌های جدید و متناسب با نیاز روز و تعریف مجدد ارزش‌های گذشته برای پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر می‌باشد (حناچی، ۱۳۸۶، ۱۵). بازآفرینی محیط‌های شهری از رکود اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی که در اثر زوال و تخریب کالبد فیزیکی به وجود می‌آید، جلوگیری می‌کند (Robert & Sykes, 2000, 140). به صورت کلی، بازآفرینی، نگرشی هماهنگ و گسترده و اقدامی است که به حل مسائل و مشکلات شهری منجر می‌شود و در پی ایجاد وضعیتی پایدار در اقتصاد، کالبد، اجتماع و محیط است. کلیه تدابیر در وهله اول از نظر سبک معماری و شهرسازی، ارزیابی و سپس به صورت هم‌زمان در تطابق با مؤلفه‌های فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی و ویژگی‌های محیطی بررسی می‌شوند. در این باره، پژوهشگران پنج هدف کلان را برای بازآفرینی محیط‌های شهری در نظر گرفته‌اند که عبارت‌اند از: ۱- ارتباط میان شرایط فیزیکی محیط شهری و محرومیت اجتماعی؛ ۲- نیاز به توجه به مسکن و سلامت در محیط‌های شهری؛ ۳- جذابیت ارتباط بهبود وضعیت اجتماعی با پیشرفت اقتصادی؛ ۴- جلوگیری از رشد بی‌رویه شهر؛ ۵- تغییر نقش و ماهیت خط‌مشی در پیش گرفته شده.

در سال‌های اخیر سیاست‌های بازآفرینی فرهنگی و کیفی به‌عنوان ابزار معاصر سازی و رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک در سایت‌های تاریخی ارزیابی شده است. هدف اصلی در روند بازآفرینی، افزایش کیفیت زندگی اجتماع محلی و تضمین مشارکت آن‌ها در این روند است (Aykaç, 2009, 5). در بازآفرینی کیفیت‌مدار، باید متغیرها و نمایانگرهای محیطی را هدف قرار داد و آنچه را که آفریده شده بود، بازآفرینی نمود. هسته مرکزی شهر، فضاها و مکان‌های همگانی و بیرونی برجسته‌ای هستند که با معاصر سازی کیفیات محیطی، می‌توانند نماد سامان‌بخشی و سرزندگی تمامیت شهر باشند. بازآفرینی مرکز تاریخی شهر به مثابه خانه و مأمن میلیون‌ها نفر از مردم و بازدیدکنندگان مختلف، سبب تسهیل و بهبود تعاملات عالی انسانی می‌گردد؛ زیرا مراکز تاریخی شهرها با ایجاد مؤلفه‌های کالبدی و شرایط خاص برای فعالیت‌های سرگرمی و گردشگری می‌توانند اقتصاد محلی را ارتقا دهند. (پامیر، ۱۳۸۹، ۲). تصویر ذهنی افراد و امکان بازشناسی خاطرات از یک شهر به صورت گسترده‌ای از «کیفیت قلمروهای همگانی» آن در قالب خیابان‌ها، بلوارها، باغ‌ها، میادین، میدانچه‌ها و آب‌کنارها نشأت می‌گیرد. نشانه‌های منحصر به فرد معماری می‌توانند به نماد تبدیل شوند؛ اما در نهایت، کیفیات کلی محیط همگانی است که شهر را خاطره‌انگیز و قابل زندگی می‌سازد؛ بنابراین بازآفرینی مرکز شهر، تلاشی است در جهت آفرینش دوباره محیطی که نشان‌دهنده زندگی شهری نمونه بوده است.

جدول ۱. رویکردهای مرمت شهری از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰

سال اقدام	نوع مداخله شهری	اقدامات بازآفرینی مناظر فرهنگی
۱۹۴۰	پاکسازی- نوشدن- توسعه مجدد	ارتباط میان شرایط فیزیکی محیط شهری و محرومیت اجتماعی

ادامه جدول ۱. رویکردهای مرمت شهری از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰

سال اقدام	نوع مداخله شهری	اقدامات بازآفرینی مناظر فرهنگی
۱۹۵۰	بازسازی	جلوگیری از رشد بی‌رویه شهر
۱۹۶۰	باززنده سازی- احیا- ساماندهی	نیاز به توجه به مسکن و سلامت در محیط‌های شهری
۱۹۷۰	نوشدن با رویکرد هماهنگی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی	جذابیت ارتباط بهبود وضعیت اجتماعی با پیشرفت اقتصادی
۱۹۸۰	توسعه شهری و اعطای مسئولیت به بخش خصوصی به جای دولت مرکزی برای نخستین بار	توجه به نیازهای روانی و اجتماعی شهروندان
از ۱۹۹۰	نوشدن با رویکرد هماهنگی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی	جذابیت ارتباط بهبود وضعیت اجتماعی با پیشرفت اقتصادی
۱۹۷۰	بازآفرینی شهری با رویکرد فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی- کالبدی	تغییر نقش و ماهیت خط‌مشی در پیش گرفته شده

منبع: نگارندگان

۳- کیفیت و مفهوم آن

کیفیت مفهومی پیچیده است که در شرایط و مناسبت‌های مختلف، معانی گوناگونی به خود می‌گیرد. این مفهوم در کلیه زمینه‌های مرتبط با زندگی انسان به‌کارگرفته شده است و کارشناسان هر رشته مسائل و پدیده‌های مرتبط با کیفیت را با توجه به بستر و حالت آن تفسیر نموده‌اند. معماری و نظام‌های طراحی شهری دیدی متفاوت از کیفیت در محصول و فرآیند ارائه می‌دهند؛ کیفیت بر این اساس، توانایی کافی برای یک محصول یا خدمات ویژه است (Ozsoy & Esin, 2004, 20). گرایش‌های مختلفی در شکل‌گیری کیفیت محیط شهری وجود دارد. براساس نظر لینچ، مؤلفه‌های شکلی شهر خوب و کیفیت‌های مطلوب مکان شهری موفق، عبارت است از: سرزندگی (محیط سالم)، ادراک (احساس مکان و هویت)، تطابق (تطابق فضایی)، دسترسی (قابلیت سرویس به مردم، فعالیت‌ها و ادراک) و کنترل (Lynch, 1981, 76). در واقع، کیفیت‌ها در کلیت خود تعیین درونی و اساسی پدیده‌ها هستند که «آن را به چیزی تبدیل می‌کنند که باید باشند» و بدین‌وسیله یک چیز را از همه چیزهای دیگر متمایز می‌گردانند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۰۴). کیفیت‌ها به شیء ثبات نسبی می‌بخشند و به گفته ارسطو، کیفیت‌ها آن‌هایی هستند که «تفاوت یک موجود» را بیان می‌کنند. منظور از کیفیت، از طرفی خاصیت‌ها و ویژگی‌های اصلی یک چیز است و از طرف دیگر، کلیت و قاعده‌ای از جزء کیفیت‌هایی است که یک چیز را به‌وجود آورده‌اند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۰۶). در واقع با کمک جزء کیفیت‌ها، می‌توان به تفاوت ویژگی‌های یک چیز پی‌برد؛ درحالی‌که به‌وسیله کیفیت‌های کلی می‌توان به تفاوت چیزها از یکدیگر رسید (پورجعفر و صادقی، ۱۳۸۸، ۶۷). جاکوب در سال ۱۹۸۷ قابلیت زندگی، هویت و کنترل، دسترسی به فرصت‌ها و امکانات، اجتماع و

زندگی عمومی و خوداتکایی شهری را اهداف ضروری برای محیط خوب زندگی شهروندی ذکر می‌کند (Jacob & Appleyard, 1987, 26). در مجموع کیفیت یک مکان به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از فاکتورهای برنامه‌ریزی، طراحی، توسعه و نگهداری محیط زندگی شهروندان باید به قابلیت زندگی، فردیت، شخصیت، زیبایی‌شناختی، ارتباط، پیوستگی، قابلیت دسترسی، قابل رویت بودن و گوناگونی پاسخ بدهد.

۴- کیفیت در مناظر فرهنگی درون شهری

به‌طور واضح برای دستیابی به هدف یک محیط زندگی باکیفیت، محدوده وسیعی از نیازهای محیطی، اقتصادی و اجتماعی باید برآورده شوند (Pacion, 2003, 2). در سال‌های اخیر علاوه بر جنبه‌های محیطی و عملکردی، هوای سالم، همسایگی ساکت و آرام، منظره خیابان‌های جذاب و فضاهای سبز نیز در حال اهمیت یافتن هستند. میزان و کیفیت فضاهای زندگی شهروندان تحت تأثیر الگوی طراحی فضا، الگوی فعالیت‌ها، حالت‌های بازآفرینی، طرق کسب آگاهی و ارتباط با محیط، فرصت آرامش از استرس‌های روزانه و... است. (Van Herzele & Wiedemann 2003, 120) در این زمینه مفاهیمی چون قابلیت زندگی، کیفیت زندگی، محیط زندگی، کیفیت مکان، رضایت و درک محیط زندگی و پایداری زندگی شهروندی هم‌پوشانی دارند و در موارد زیادی به‌عنوان مترادف به‌کار می‌روند؛ اما گاهی نیز کاربردی متفاوت دارند. (Van Herzele & Wiedemann 2003, 120). بازآفرینی مناظر فرهنگی درون شهری، با ایجاد اطمینان از درک بافت تاریخی و نیازهای عملکردی جامعه در پاسخ به آن به‌صورت زیر، سازگاری و حس خوبی ایجاد می‌کند: ۱- شناخت مکان‌ها و مسیرهای عمومی که برای شهروند خوشایند هستند؛ ۲- ایجاد احساس امنیت؛ ۳- ایجاد کیفیتی از مناظر فرهنگی که با عناصر عملکردی و هنر عمومی یکپارچه شده‌اند؛ ۴- ساخت مکان‌های عمومی که آشفته و درهم ریخته نیستند و به آسانی قابل نگهداری‌اند؛ ۵- نورپردازی و تجهیز منظر با طراحی مناسب؛ ۶- فضاهای کیفی مناسب با نیاز گروه‌های مختلف شهروندی شامل افراد مسن، معلولان و ناتوانان؛ ۷- طرح کاشت قوی و متناسب با ویژگی‌های منظر فرهنگی. شهرهای امروزی و بالطبع شهروندان آن نیازهایی دارند که مشابه گذشته نیست. شهرهایی وجود دارند که بخش‌های صنعتی و خدماتی آن‌ها در حال زوال و فرسودگی است، از طرفی، برخی دیگر شروع به تغییر بخش‌های صنعتی و تکنولوژیکی کرده‌اند و شهرها در کل به‌صورت عملکردی، سیاسی و اجتماعی و برحسب اقتصاد و نیازهای خود، بازآفرینی و بازسازی شده‌اند که در برخی از موارد به ایجاد شکلی کاملاً متفاوت با ساختارهای اولیه آن‌ها منجر شده است. از زمانی که شهروندان پی به طبیعت پویای مناظر می‌برند، دیدگاه آنان نسبت به مناظر به‌عنوان یک صحنه ثابت (ایستا) تغییر می‌کند. مناظر فرهنگی و بافت‌های تاریخی شهرها نیز باید هم‌زمان به‌صورت‌های اقتصادی قابل زندگی، اجتماعی دارای عدالت، سیاسی و عملکردی دارای مدیریت مناسب و زیست‌محیطی پایدار باشند تا به بیشینه رفاه زندگی شهروندی دست یابند. در چنین مناطقی دیگر مسائل راهبردی در سطح مدیریت محلی قرار دارد که ناظر بر مؤلفه‌هایی مانند ظرفیت‌سازی مناظر فرهنگی، توانمندسازی محلی، فرهنگ‌سازی و امنیت اجتماعی است.

۵- مفهوم شهروند و زندگی شهروندی

سؤالات متعددی در مورد تعاریف، مفاهیم و جایگاه شهروندان از زمان شهر یونان تاکنون بررسی

شده است. پدیده شهروندی یک مفهوم تحلیلی پایدار نیست و به‌طور ثابت در فرایندهای سیاسی در جوامع انسانی اصلاح شده و با تغییر شرایط تاریخی تطبیق یافته است. به‌منظور درک مفهوم شهروندی در دنیای معاصر باید ابتدا دریابیم که این مفهوم از کجا نشأت گرفته و چگونه معنی آن در گذر زمان تغییر یافته است؟ سرمنشأ کلمه شهروند از لغت لاتین Civis یا Civitas به معنی «یک عضو از یک ایالت یا شهر باستانی» است. Civitas لغت تغییر یافته لاتین از لغت یونانی Polites است؛ که به معنای «عضوی از شهر یونان» است. Politas بنا به تعریف ارسطو «شخصی است که با زندگی در یک شهر در فرایند رشد و توسعه شرکت کرده است، کسی که حکومت می‌کند و به نوبه خود تحت حکومت است» (Delanty, 2000, 11). به‌صورت خلاصه می‌توان گفت که در یونان این تفکر وجود داشت که «انسان‌ها فقط در کشورهای کوچک می‌توانند حالت انسانی و آزادی خویش را حفظ نمایند و به‌عنوان یک شهروند شناخته شوند» (نقی‌زاده، ۲۰۰۴، ۱۳۹۰). همچنین معنای شهروند به‌عنوان «یک شخص با حقوق سیاسی برای شرکت در فرایند خودمختاری عمومی» اولین و قدیمی‌ترین معنی این واژه است (Smith, 2000, 103). آنتونی گیدنز تعریف دیگری از شهروند دارد که می‌گوید: «شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است» (گیدنز، ۱۳۶۷: ۵). در زبان فارسی واژه «شهروند»، به‌عنوان معادل انگلیسی «سیتی‌زن» است. مطابق فرهنگ لغت فارسی معین، «شهروند» یعنی کسی که در شهر زندگی می‌کند، اهل یک شهر یا یک کشور است. همچنین این واژه در فرهنگ لغات آکسفورد به معنای شخصی است که در یک کشور زندگی می‌کند؛ شخصی که دارای حقوق قانونی در یک کشور است.

با توجه به این‌که شهر، زیستگاهی انسان‌ساخت است و در سیطره یک قدرت سیاسی مشخص، تمرکز جمعیتی نسبتاً پایداری را درون خود جای می‌دهد و فضاهایی ویژه بر اساس نیازهای شهروندان وجود می‌آورد؛ بنابراین شهر عاملی است در پاسخ دادن به برخی نیازهای اساسی که نه‌تنها به ساکنان محلی آن، بلکه به پهنه گسترده‌تر و وابسته به آن تعلق دارد. اراده و خواست مردم می‌تواند به‌گونه‌ای تأثیرگذار بر شهرها تحمیل شود، به‌طوری‌که شکل پدید آمده، الهامات و خواستگاه‌های بلندمدت ما را بیان کنند. شکل کالبدی شهر را تصمیم‌گیری ساکنان آن تعیین می‌کند (بیکن، ۱۳۷۹، ۳۳).

محلات در شهرهای امروزی بخشی از تقسیم‌بندی کالبدی، فرهنگی شهر با حوزه مشخص، وابستگی‌ها، تعلقات اجتماعی، همسایگی‌ها و الگوهای مشترک زندگی است که نقش اساسی در فراهم‌سازی مؤلفه‌های کیفی در زندگی شهروندی دارند. به‌نظر ایستوارت مهم‌ترین وظایف مقامات محلی برای تقویت بهبود امکانات اجتماع محلی «شهروندسازی» است. شهروندسازی یعنی فراهم کردن امکانات، تسهیلات و سازوکارهای لازم برای شهروندان تا آنان از حقوق شهروندی‌شان بهره‌مند گردند و بتوانند به‌نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی خود را در قبال جامعه محلی که در آن زندگی می‌کنند انجام دهند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ۱۴). در واقع هم‌زمان با شروع قرن بیست‌ویکم، شهرها ابعاد گسترده‌تری از نظر حجم فیزیکی و تنوع مسائل اجتماعی-اقتصادی پیدا کرده‌اند و این تحولات، مدیران و برنامه‌ریزان شهری را به چالش فراخوانده است. بر این اساس، آنان با توجه به نیازهای شهروندان، آموزش و نقش شهروندان در بهبود کیفیت محیط زندگی‌شان و امنیت اساسی آن به تشکیل نهادهای مشارکتی و اجتماعی اقدام می‌کنند. بسیاری از برنامه‌ریزی‌های شهری و مسکونی از آن رو با مشکل روبه‌رو می‌شوند که دست‌اندرکاران آن‌ها

درک روشنی از کارکردهای اجتماعی شهر ندارند. آن‌ها تلاش می‌کنند این کارکردها را صرفاً با نگاهی سطحی به فعالیت‌ها و نیازهای موجود در صحنه شهرهای معاصر درک کنند. در واقع پرسش این است که شهر را به مثابه یک نهاد اجتماعی چگونه باید تبیین کرد؟ هنگامی که از حقوق شهروندی صحبت می‌شود، منظور فقط حقوق اساسی شهروندان نیست؛ بلکه جزئی از این حقوق را در عرصه‌های مختلف زندگی دربرمی‌گیرد.

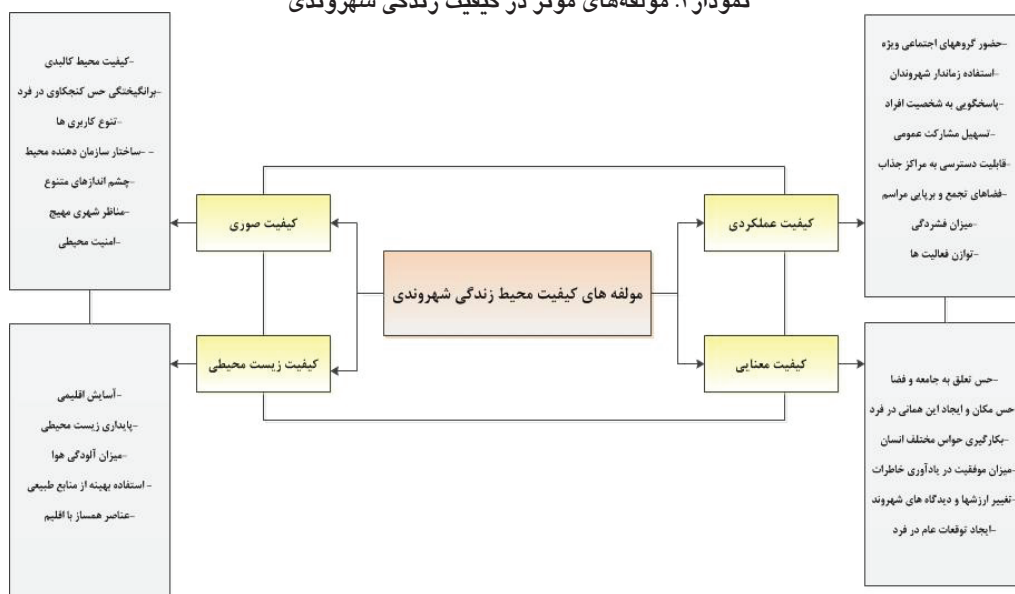
۶- معیارهای کیفی مؤثر در زندگی شهروندی

معیارهای کیفی زندگی شهروندی مقوله‌ای است که در سال‌های اخیر در برنامه‌ریزی، طراحی و توسعه شهری همواره یکی از عوامل مورد بحث بوده است. معیار در کلی‌ترین معنی، هرگونه استانداردی است که با آن درباره کسی یا چیزی داوری و یا قضاوت می‌شود و به مفهومی جزئی‌تر، نشانه‌ای کاملاً قابل اعتماد برای تشخیص حقیقت یک موضوع است (پاشایی، ۱۳۶۹، ۱۲۱). با توجه به این‌که طراحی هر مکانی هدفمند است، پس کیفیات و ویژگی‌هایی نیز داراست. هدف، یافتن و ترکیب عناصر و مؤلفه‌هایی است که بتوانند در یک ساختار، به وحدت برسند و کیفیات مورد انتظار را برای شهروندان ایجاد نمایند. کیفیت فضا یکی از دل‌مشغولی‌های بسیار مهم طراحی شهری است؛ در حدی که بسیاری از نظریه‌پردازان «ارتقای کیفیت محیط و فضا» را مهم‌ترین وظیفه فعالیت طراحی شهری می‌دانند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۰۳). مؤلفه‌های کیفی زندگی شهروندی به ویژگی‌های اساسی مکان بستگی دارد که حاصل کلیت مورد مطالعه، انواع اجزای این کلیت و نسبت بین آن‌ها و رابطه موجود بین اجزا است. علاوه بر آن هر یک از مؤلفه‌های کیفیت محیط در چهار بخش کیفیت معنایی، کیفیت عملکردی، کیفیت صوری و کیفیت زیست‌محیطی طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین میزان هماهنگی بین هریک از بخش‌های فوق، کیفیت‌هایی را ایجاد می‌نمایند که در بحث‌های سازگاری به آن می‌پردازند، مانند سازگاری میان عملکرد و معنا. تأثیرات روانی و عاطفی حاصل از ادراک فضا و کیفیات‌های مربوط به آن، بازشناسی خاطرات (هویت و تعلق خاطر)، ایجاد توقعات عام، ارتباط با اندوخته‌های ذهنی و پاسخگویی به انتظارات انسان را امکان‌پذیر می‌کنند. کلیه این عوامل که در ارتباط مستقیم با فرهنگ و سنت مخاطب است، سبب ارزش‌گذاری و تغییر دیدگاه‌های انسان به فضا می‌شود. این مؤلفه‌ها که تجربه فضا را برای استفاده‌کننده دلپذیرتر و قدرت تأثیرگذاری آن را نیز تقویت می‌کنند، از مؤلفه‌های کیفیت معنایی مکان هستند.

کیفیت عملکردی به وسیله ساختار سازمان‌دهنده، تأمین فضاهای حرکتی، دسترسی سواره و پیاده و تأمین فضای برپایی مراسم و آئین‌ها تعریف می‌نمایند. دیگر مولفه‌های این کیفیت مانند توازن میان افراد رده‌های مختلف سنی استفاده‌کننده، حضور گروه‌های اجتماعی ویژه و میزان استفاده مرتب و دائمی شهروندان، در تسهیل میزان مشارکت عمومی و میزان کارایی و توازن فعالیت در فضا سهم اساسی دارند.

کیفیت محیط کالبدی، تنوع کاربری‌ها، میزان برانگیختگی حس کاوش و کنجکاوی در استفاده-کنندگان و عوامل مرتبط با چشم‌اندازهای شهری در مقوله کیفیت صوری می‌گنجد. کیفیت زیست‌محیطی در دو بعد کلان و خرد تعریف می‌شود که در بعد خرد، دربرگیرنده مقولات اقلیمی خرد فضاهای شهری و در بعد کلان، شامل پدیده پایداری زیست‌محیطی است.

نمودار ۲. مؤلفه‌های مؤثر در کیفیت زندگی شهروندی



منبع: نگارندگان

۷- معرفی و تحلیل کیفیت‌های محیطی مجموعه زندیه

مجموعه زندیه، مرکز شهری ایجاد شده در دوران حکومتی کریمخان زند و در شهر شیراز است. این مجموعه در گذشته مهم‌ترین بخش از ارکان اصلی شهر بوده و ترکیبی منسجم و هماهنگ را به نمایش می‌گذاشته است. این مجموعه شهری در مرکز مهم‌ترین محور فرهنگی - تاریخی شهر قرار دارد که در سازمان فضایی و شبکه اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی شهر شیراز جایگاه ویژه‌ای دارد و هرگونه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری درخصوص آن به دلیل موقعیت کالبدی، ارتباطی، اقتصادی و ارزش‌های تاریخی آن اثری تعیین کننده در ساختار فضایی و اجتماعی شهر خواهد داشت. در مجموعه زندیه بناهای باارزشی هم‌چون ارگ کریمخان، موزه پارس، بازار وکیل، حمام وکیل، میدان توپخانه و عمارت دیوان‌خانه همواره به‌عنوان نشانه‌های شهری شیراز و کاربری‌های جاذب جمعیت معرفی و شناخته شده‌اند. تأثیر این بناها در شهر به‌گونه‌ای است که مراسم‌های ملی و مناسبتی بسیاری در فضای باز مجموعه یعنی میدان توپخانه برگزار می‌گردند. متأسفانه نفوذ اندیشه و دیدگاه مدرن از زمان پهلوی اول به قلب مجموعه، آشفتنگی‌های اساسی را در رشته ساختاری به وجود آورده است و کیفیات عملکردی و معنایی آن را تحت تأثیر قرار داده است. در سال‌های اخیر با ساخت بناهایی با عملکردهای جدید شهری و حتی مسکونی در دل مجموعه و به تبع آن ایجاد کاربری‌های مختلط، علاوه بر از بین رفتن نظام سلسله مراتب دسترسی به مجموعه، از نقش تاریخی و عملکردی و کیفیت فرمی و زیبایی شناسی آن نیز بسیار کاسته شده است.

مجموعه زندیه دارای دو محور اصلی عمود بر یکدیگر می‌باشد. محور شرقی - غربی در امتداد خیابان تجاری زند قرار گرفته است. در اطراف این محور علاوه بر بناهای باارزشی هم چون باغ نظر، مسجد و بازار وکیل، ساختمان دادگستری، هنرستان نمازی و تعداد زیادی بانک نیز دیده می‌شود. این عملکردهای ناسازگار نه تنها فشردگی و سازمان فضایی مجموعه را از بین

برده اند، بلکه نظم ارتفاعی و حرکت پیاده در فضای سنگفرش میدان توپخانه به دور از استرس های محیطی سایر نقاط شهر را نیز مختل نموده اند. محور شمالی- جنوبی مجموعه بر آکس عمارت باغ نظر(موزه پارس) منطبق است که در سمت چپ آن شاخص ترین عنصر مجموعه یعنی ارگ کریم خان قرار گرفته است. تأثیر ارگ کریم خان به عنوان یکی از نمادهای اساسی شهر شیراز باعث شکل گیری فعالیت های متنوعی در اطراف آن و جذب اقشار مختلف اجتماعی شده است. همچنین در سمت راست این محور ساختمان بانک ملی از آثار دوره پهلوی قرار دارد که تنها بنای باارزش اضافه شده به مجموعه است. در سال های اخیر با کشیده شدن خیابان طالقانی مابین باغ نظر و مسجد وکیل، مجموعه به دو قسمت شرقی- غربی تقسیم شده است و با ورود اتومبیل به قسمت غربی مجموعه، اهداف پیاده سازی کل مجموعه از بین رفته است.

در بررسی کیفیت های معنایی، این مجموعه از جمله مکان هایی است که بار حیات ذهنی- خاطره ای شهر را به دوش می کشد. مرکز تاریخی زندیه پتانسیل تجلی حیات جمعی را دارد ولی تا از کیفیت و هویت فضایی برخوردار نشود این امر محقق نخواهد شد. این مکان که درگذشته محل تجمع شهروندان بوده است، امروز به دلیل مناسبات ناهمگون بین نقش و عملکرد و مقیاس ادراکی - رفتاری، خالی از کیفیت و حضور ناپایدار شهروند شده است. مجموعه زندیه در واقع انعکاس هویت و ارزش های فرهنگی- اجتماعی جامعه ای است که دوره های زمانی مختلف شکل گرفته است. ماندگاری مجموعه زندیه بیان نوعی تداوم تاریخی و به دنبال آن تداوم فرهنگی است. پدیده ماندگار یک پدیده تکامل یافته است، تمامیت دارد، در طول زمان طولانی می ماند، بار می گیرد و بخشی از خاطرات می شود. این خاطرات منابعی از هویت فضایی - اجتماعی اند که ارزش ها و دیدگاه های یک جامعه شهری را شکل می دهند. از آن جا که شهر در هر زمانی محصول تغییرات و مناسبت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دوران رشد خود است و تأثیرات تحولات مذکور در کالبد و فضای شهر منعکس می شود؛ بنابراین نکته اساسی در مورد طراحی شهری و تحولات مجموعه زندیه، این است که در بهترین شرایط، هریک از بناها به تنهایی جالب توجه هستند، اما تأثیر جمعی آن ها مایوس کننده و نامطلوب است. در جدول زیر مؤلفه های مربوط به کیفیت های عملکردی، معنایی، صوری و زیست محیطی مجموعه زندیه به همراه نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت های مجموعه و رهنمودهایی مبنی بر ارتقای کیفیت این فضای عمومی شهری آمده است.

جدول ۲. تحلیل مجموعه زندیه و ارائه رهنمودهایی در جهت ارتقای زندگی شهروندی در مجموعه زندیه

رهنمودهای ارتقای کیفیت زندگی شهروندی	مؤلفه‌های کیفیت در مجموعه زندیه	معیارهای کیفیت	قوت و فرصت	تحلیل مجموعه زندیه
<ul style="list-style-type: none"> - ساماندهی جداره‌های مجموعه - ساماندهی و اصلاح فعالیت‌های اطراف بدنه‌ها - طراحی علائم و تابلوهای راهنمای هم‌خوان با بافت - کف‌فرش نمودن کل مجموعه - در نظر گرفتن تمهیدات ترافیکی در خیابان‌های منتهی به مجموعه - ساماندهی پارکینگ و تدوین قوانین ورود و خروج - جلوگیری از ورود اتومبیل به فضای مجموعه - در نظر گرفتن کاربری‌های متناسب با هویت بافت تاریخی-فرهنگی برای بناهای تاریخی اطراف مجموعه - نورپردازی مناسب و طراحی شده کل مجموعه و بازگرداندن زندگی شبانه به آن - حذف کاربری‌های ناسازگار با فضای فرهنگی-تاریخی - کارآفرینی در مقیاس محلی - حمایت از اقتصاد محلی - مشارکت شهروندان - محلات مجاور در طرح‌ها و برنامه‌های مجموعه زندیه 	<ul style="list-style-type: none"> - مجموعه زندیه به‌عنوان ساختار دارای کیفیت بصری(نظم ارتفاعی، ریتم بدنه‌ها، مصالح هماهنگ و...) - مقیاس کالبدی مجموعه - تسلط بصری عناصر نشانه‌ای مانند ارگ - الگوی دسترسی و ارتباطی عناصر مجموعه - پیاده‌راهوار بودن قسمتی از مجموعه - ترکیب فضاهای پر و خالی - محورهای دید گسترده 	<p>کیفیت صوری</p>	<ul style="list-style-type: none"> - موقعیت مناسب در شهر شیراز و مرکزیت مجموعه - انعکاس هویت و ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی شهر شیراز در دوران تاریخی مختلف - مطرح شدن مجموعه به‌عنوان نماد شهر شیراز - شناسایی مجموعه در مقیاس بین‌الملل - پیاده‌راه‌سازی قسمت غربی مجموعه زندیه - مرمت بناهای کریم‌خانی همچون ارگ و دیوان‌خانه - وجود زمین‌های باز فاقد کاربری در مجموعه و به‌صورت پراکنده - در نظر گرفتن پارکینگ اختصاصی با ظرفیت ۷۶۰ اتومبیل برای مجموعه زندیه - مطرح شدن بازار وکیل به‌عنوان شاه‌رگ حیاتی مجموعه - فعالیت میدان توپخانه تا پاسی از شب - نورپردازی مناسب و طراحی شده برای بناهای ارگ کریم‌خان و موزه پارس - دیدهای گسترده به بناهای مختلف مجموعه از طریق میدان توپخانه - ارتباط بصری میدان توپخانه و باغ تاریخی نظر - استفاده فرهنگی از بناهای مجموعه تاریخی 	<p>کیفیت عملکردی</p>
	<ul style="list-style-type: none"> - نقش میدان توپخانه به‌عنوان مفصل ارتباطی بناها - وجود بناهای مجموعه‌ای و زنجیره‌ای - قدرت شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی در فضاهای مجموعه - تنوع کاربری و فعالیت - توجه به فعالیت‌های روزانه و شبانه در میدان توپخانه - وجود فعالیت‌های خاص در بدنه‌ها 			

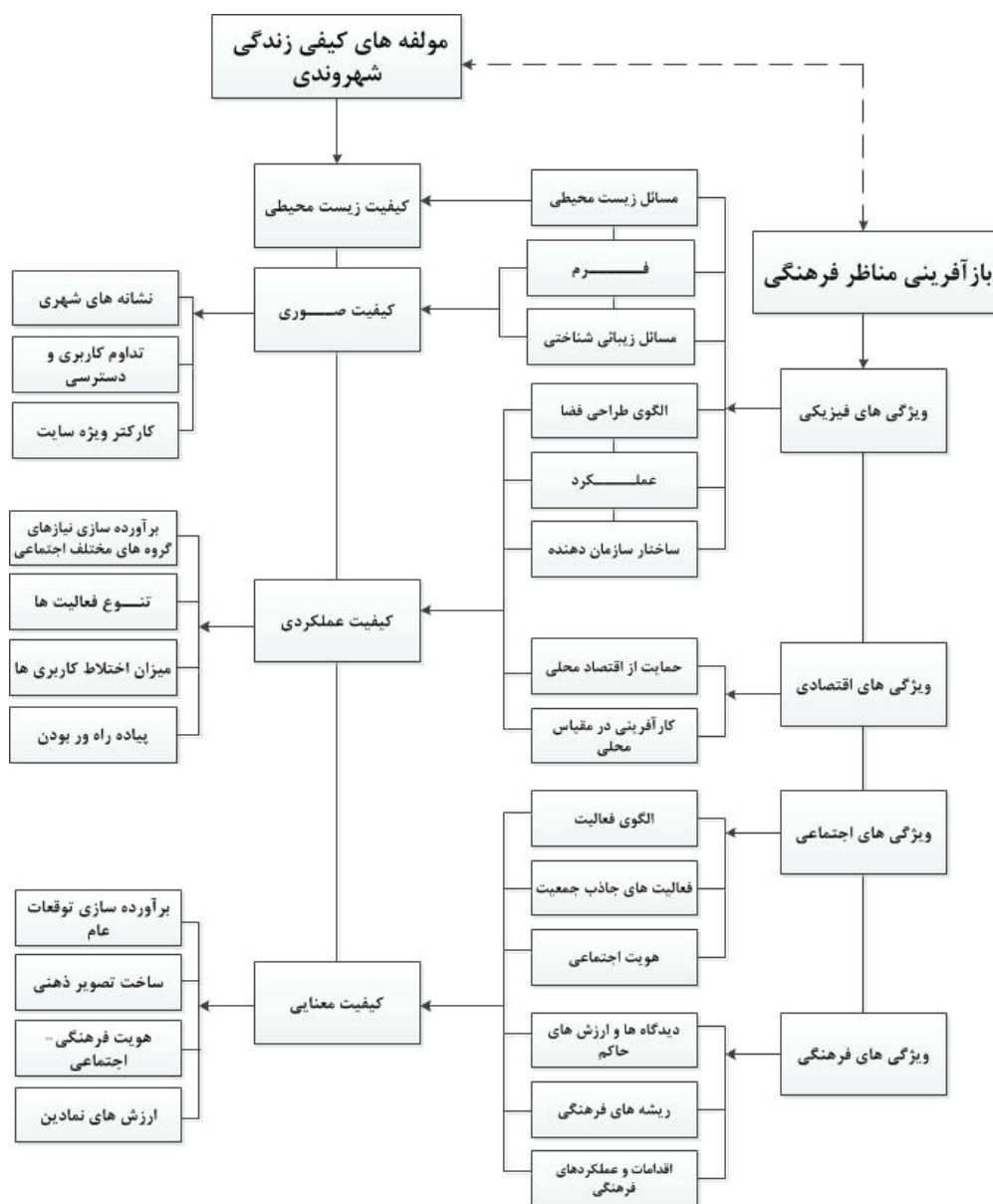
منبع: نگارندگان

جدول ۳. تحلیل مجموعه زندیه و ارائه رهنمودهایی در جهت ارتقاء زندگی شهروندی در مجموعه زندیه

ضعف و تهدید	معیارهای کیفیت	مؤلفه‌های کیفیت در مجموعه زندیه	رهنمودهای ارتقای کیفیت زندگی شهروندی
<p>تحلیل مجموعه زندیه</p> <p>- از بین رفتن انسجام فضایی مجموعه زندیه</p> <p>- ورودی‌های چندگانه و تعریف نشده</p> <p>- اشغال شدن قسمت اعظمی از باغ نظر و دیوان‌خانه به وسیله کاربری‌های آموزشی و اداری</p> <p>- وجود کاربری‌های ناسازگار با بافت فرهنگی-تاریخی</p> <p>- استفاده از زمین‌های باز موجود در مجموعه به عنوان پارکینگ</p> <p>- فقدان ساماندهی کالبدی و ترافیکی پارکینگ اختصاصی مجموعه</p> <p>- فقدان هماهنگی مبلمان شهری با بافت مجموعه</p> <p>- کمبود تابلوهای اطلاع رسانی</p> <p>- عدم معرفی کلی بناهای مجموعه در تابلوهای راهنما</p> <p>- بی‌توجهی به ضوابط طراحی شهری در طراحی فضاهای مکث و نشستن</p> <p>- ورود اتومبیل به قسمت شرقی مجموعه</p> <p>- آلودگی‌های بصری در میدان نظیر هواکش‌های زیرگذر زندیه، ایستگاه پلیس و...</p> <p>- وجود موانع بصری در میدان</p> <p>- برهم زدن نظم ارتفاعی کل مجموعه توسط بناهای الحاقی و جدید</p>	<p>کیفیت معنایی</p> <p>- مجموعه زندیه به عنوان عرصه‌ای عمومی برای فعالیت‌های همگانی در شهر شیراز</p> <p>- برگزاری جشن‌های ملی و مناسبتی</p> <p>- وجود بناهای تأثیرگذار و ارزشمند</p> <p>- انعکاس هویت شهر شیراز در دوره‌های مختلف تاریخی</p> <p>- تداوم الگوهای فرهنگی در مجموعه</p> <p>- شکل‌گیری تصویر ذهنی در شهروند</p> <p>- انعکاس ارزش‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر جامعه در دوران تاریخی گذشته</p>	<p>- مجموعه زندیه</p> <p>- به عنوان عرصه‌ای عمومی برای فعالیت‌های همگانی در شهر شیراز</p> <p>- برگزاری جشن‌های ملی و مناسبتی</p> <p>- وجود بناهای تأثیرگذار و ارزشمند</p> <p>- انعکاس هویت شهر شیراز در دوره‌های مختلف تاریخی</p> <p>- تداوم الگوهای فرهنگی در مجموعه</p> <p>- شکل‌گیری تصویر ذهنی در شهروند</p> <p>- انعکاس ارزش‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر جامعه در دوران تاریخی گذشته</p>	<p>- ساماندهی جداره‌های مجموعه</p> <p>- ساماندهی و اصلاح فعالیت‌های اطراف بدنه‌ها</p> <p>- طراحی علائم و تابلوهای راهنمای همخوان با بافت</p> <p>- کف‌فرش نمودن کل مجموعه</p> <p>- در نظر گرفتن تمهیدات ترافیکی در خیابان‌های منتهی به مجموعه</p> <p>- ساماندهی پارکینگ و تدوین قوانین ورود و خروج</p> <p>- جلوگیری از ورود اتومبیل به فضای مجموعه</p> <p>- در نظر گرفتن کاربری‌های متناسب با هویت بافت تاریخی- فرهنگی برای بناهای تاریخی اطراف مجموعه</p> <p>- نورپردازی مناسب و طراحی شده کل مجموعه و بازگرداندن زندگی شبانه به آن</p> <p>- حذف کاربری‌های ناسازگار با فضای فرهنگی-تاریخی</p> <p>- کارآفرینی در مقیاس محلی</p> <p>- حمایت از اقتصاد محلی</p> <p>- مشارکت شهروندان محلات مجاور در طرح‌ها و برنامه‌های مجموعه زندیه</p>
	<p>کیفیت زیست محیطی</p> <p>- وجود با نظر به همواره درختان و گیاهان بارزش</p> <p>- حذف اتومبیل از قسمت شرقی مجموعه و کاهش آلودگی</p> <p>- اولویت فعالیت‌های پیاده</p> <p>- استفاده از گیاهان در بازطراحی میدان</p>	<p>- مجموعه زندیه</p> <p>- به عنوان عرصه‌ای عمومی برای فعالیت‌های همگانی در شهر شیراز</p> <p>- برگزاری جشن‌های ملی و مناسبتی</p> <p>- وجود بناهای تأثیرگذار و ارزشمند</p> <p>- انعکاس هویت شهر شیراز در دوره‌های مختلف تاریخی</p> <p>- تداوم الگوهای فرهنگی در مجموعه</p> <p>- شکل‌گیری تصویر ذهنی در شهروند</p> <p>- انعکاس ارزش‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر جامعه در دوران تاریخی گذشته</p>	<p>- مجموعه زندیه</p> <p>- به عنوان عرصه‌ای عمومی برای فعالیت‌های همگانی در شهر شیراز</p> <p>- برگزاری جشن‌های ملی و مناسبتی</p> <p>- وجود بناهای تأثیرگذار و ارزشمند</p> <p>- انعکاس هویت شهر شیراز در دوره‌های مختلف تاریخی</p> <p>- تداوم الگوهای فرهنگی در مجموعه</p> <p>- شکل‌گیری تصویر ذهنی در شهروند</p> <p>- انعکاس ارزش‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر جامعه در دوران تاریخی گذشته</p>

منبع: نگارندگان

نمودار ۳. تلاقی مؤلفه‌های بازآفرینی و کیفیت زندگی شهروندی



منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

یکی از رویکردهای پدیدآمده در زمینه تکمیل مفهوم بازآفرینی شهری، ارتقای کیفیت محیط زندگی شهروند است. این رویکرد با نگاهی به اهداف کالبدی و کارکردی محیط برای پاسخ به نیازهای کیفی و روانی شهروندان مانند، تعلق خاطر، هویت، توقعات عام، مشارکت عمومی، ارزش‌های فرهنگی و امنیت اجتماعی برای تکمیل مفهوم بازآفرینی به‌وجود آمده است. در توانمندسازی محیطی، علاوه بر ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی مناظر فرهنگی، به ویژگی‌های عملکردی، معنایی و

روانی و جنبه زیست محیطی نیز توجه می‌شود. بازآفرینی مناظر فرهنگی با هدف حضور پایدار شهروند، از طریق غنی ساختن تجربه فضاهای جمعی و مشارکتی صورت می‌پذیرد. در این خصوص، برنامه‌ریزان و طراحان شهری با هدف حضور پیوسته و زمان دار شهروندان در عرصه‌ها و فضاهای عمومی مؤلفه‌های ارتقای کیفیت محیط را در دستور کار خود قرار می‌دهند. توجه ویژه به توان‌های موجود در بستر و حمایت از کارآفرینی در مقیاس محلی و به تبع حمایت از اقتصاد محلی، سبب ماندگاری و ارتقا کیفیت و امنیت محیط زندگی فرد می‌شود. همچنین ایجاد تعامل و هماهنگی پیوسته میان نقش و عملکرد فضا باعث شکل‌گیری تصویر ذهنی مطلوب در ذهن شهروندان و بازدیدکنندگان می‌شود که این تصویر ذهنی قابلیت ماندگاری و حضورپذیری مجدد را در فضا افزایش خواهد داد. بنابراین بازآفرینی و توانمندسازی مناظر فرهنگی با توجه به اصول و قوانین مربوط به آن و با هدف ارتقای کیفیت محیط زندگی شهروندان می‌تواند میزان حضورپذیری شهروند را تضمین کند. به همین دلیل، نگارندگان این مقاله اعتقاد دارند که بازآفرینی کاری تفریحی و تفننی نیست؛ بلکه امری حیاتی در تداوم تاریخی، پیوستگی فرهنگی و کارکردی فضاهای جمعی شهر است.

منابع

- بیکن، ادمون (۱۳۷۹) *طراحی شهرها* ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
- پاشایی، علی (۱۳۶۹) *فرهنگ اندیشه نو*. تهران: انتشارات مازیار.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) *راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران*. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
- پامیر سای (۱۳۸۹) *آفرینش مرکز شهری، سرزنده اصول طراحی شهری و بازآفرینی*. مترجم مصطفی بهزادفر. تهران: انتشارات علم و صنعت.
- پورجعفر، محمدرضا، و علیرضا صادقی (۱۳۸۸) *خوانش تأثیر ساماندهی محورهای بصری بر ارتقای کیفیت محیط فضاهای عمومی شهری*. نمونه موردی: خیابان آزادی تهران: *دوفصلنامه مدیریت شهری* شماره ۲۴ (پائیز و زمستان): ۸۰-۶۵.
- حناچی، پیروز (۱۳۸۶) *بررسی تطبیقی تجارب مرمت شهری در ایران و جهان تهران*: نشر سبحان نور.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۶۷) *جامعه شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- نجاتی حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۰) *مشارکت شهری: جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت*. *دوفصلنامه مدیریت شهری* شماره ۵ بهار ۱۳۸۰: ۱۵-۶.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰) *فضاهای باز شهری تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور*.
- Alexander, Christopher (1965) *A city is not a tree*. In: Architectural Forum London: Thousand Oaks.
- Arefi, Mahyar, and Triantafillou, Menelaos (2005) *Reflections on the Pedagogy of Place in Planning and Urban Design*” *Journal of Planning Education and Research*, vol. 25, no. 75, pp. 75-88
- Aykaç, P., Rifaioğlu, M.N., Altınöz, A.G.B., and Güçhan, N.Ş (2009) *Design Interventions as Regenerators in Historic Towns: Proposal for Ayvalık Historic Depots Region*. in the International Conference on the Urban Projects, Architectural Intervention in Urban Areas, TU, Delft, The Netherlands.
- Carter, A. (2000) *“Strategy and Partnership in Urban Regeneration”* in Roberts, P. and

- Sykes, H. (ed.) *Urban Regeneration: A Handbook*, London; Thousand Oaks
- Delanty, H (2000) *A post-modern perspective*. London
 - Jacobs, A., and Appleyard, D (1987) *Towards an Urban Design Manifesto* "American Planning Association Journal 53 (1): 113-120.
 - Lynch, K (1981) *A Theory of Good City Form*, Cambridge. MIT Press
 - Marans, R. (2003) *"The policy and research benefits of quality of urban life studies"* MIT Press, Cambridge.
 - Ozsoy, Ahsen (2009) Strategic quality planning in urban environment. *Jurnal of Istanbul Technical University Faculty of Architecture*. 6 (1): 109- 125
 - Pacione, M (2003) Introduction on urban environmental quality and human wellbeing. *Landscape and Urban Planning*, Volume 65, Issues 1-2, pages 1-3.
 - Roberts, P., and Sykes, H (2000) *Urban Regeneration: A Handbook*. London: Thousand Oaks, Calif.: Sage.
 - Van Herzele, A., and Wiedemann, T (2003) A monitoring tool for the provision of accessible and attractive urban green spaces. *Landscape and Urban Planning*. Volume 63, Issue 2, pages 109-126.